

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

۲۴ سپتمبر ۲۰۱۱

نقش نوین ترکیه در منطقه

وضعیت خاور میانه تا زمانی که روسیه و امارش بر سر کار بودند، در نزاع میان شرق و غرب، به تناسب قواء و توانائی های اعمال نفوذ آنها وابسته بود. در یک طرف ابر قدرت امپریالیستی روسیه و در طرف دیگر ابر قدرت امپریالیستی امریکا، با امارشان قرار داشتند. بعد از فروپاشی اردوگاه روسیه و کاهش نفوذش در منطقه خاور میانه، و از جمله به علت همدستی آشکارش با امپریالیسم و صهیونیسم، جمهوری اسلامی ایران جای آنها را به تدریج در خاور میانه پر کرد. دیگر تحولی نمی تواند در منطقه صورت گیرد، که در آن نفوذ ایران به حساب نیاید. ایران از نظر خویشاوندی دینی و مذهبی و سابقه طولانی تاریخی و نزدیکی فرهنگی و قدرت نظامی و سیاسی و اقتصادی و بسیاری توانائی های دیگر، به یک قدرت منطقه ئی بدل شده است. جمهوری اسلامی ایران یکی از عوامل مؤثر در شکل دادن جغرافیای سیاسی منطقه و مقابله با لجام گسیختگی امپریالیستها به ویژه امریکا و صهیونیسم اسرائیل از مرزهای چین تا دریای مدیترانه و حتی شمال افریقا است. برای بسیاری خلقهای منطقه که دورنمای سوسیالیسم، حتی سوسیالیسم تقلبی روسیه را از دست داده اند، رجوع به منشاء و اصل و اسلامگرایی، راه برون رفت از این بن بست ذهنی بود. امپریالیستها مدتها نمی دانستند، که با این نوع اسلام ایرانی چگونه باید برخورد کنند و از نفوذش، که موی دماغ آنها در منطقه است، بکاهند. سیاست تجاوزکارانه امپریالیست امریکا در عراق و افغانستان و اسرائیل در لبنان و سرکوب دائمی خواستهای به حق ملت فلسطین که کلید مشکلات خاورمیانه است، عملاً در خدمت تقویت رژیم جمهوری اسلامی و افزایش نفوذش در منطقه بود و هست و این سیاست امپریالیست امریکا کارائی قابل انتظار را نتوانست داشته باشد. به ویژه اینکه نفوذ ایران به افریقا و امریکای جنوبی هم رسیده و برای امریکا درد سر ساز شده است.

امپریالیست امریکا برای مقابله با نفوذ ایران، در کنار یک برنامه دراز مدت برای ساختن یک اپوزیسیون خود فروخته ایرانی و هوادار تجاوز امریکا، ممالکی نظیر عربستان سعودی و امارات متحده عربی و کویت را به عنوان جبهه ای در جنوب، برای فشار بر ایران، و جبهه عربستان سعودی و پاکستان برای فشار به ایران از جانب شرق را ایجاد کرد، ولی این جبهه اسلامی سلفیستها و وهابیهستها نیز نتوانسته اند، امیال امپریالیستها را آنطور که آرزو داشتند و دارند، تا کنون برآورده کند. حال ما در کنار تهدید به جنگ، محاصره اقتصادی، ایجاد اتحادهای ضد جمهوری اسلامی در اطراف ایران و از جمله در آذربایجان و گرجستان، برای قطع شاخکها و دستهای نفوذ ایران

در منطقه و همراه با این اقدامات تقویت اپوزیسیون ایرانی خودفروخته امریکائی از طریق رسانه‌ی و پول نقد بی زبان، با اقدامات جدیدی برای خنثی کردن نفوذ ایران برخورد می‌کنیم، که نیاز فراوان به بررسی دارد.

از چندی پیش ما با نقش نوینی در مورد دولت ترکیه روبرو هستیم. این دولت اسلامی، که تلاش می‌کند به اتحادیه اروپا بپیوندد، عضو پیمان تجاوزکارانه ناتو است. ترکیه به علت عوامل گوناگون، از جمله از برکت محاصره ایران و جنگ تحمیلی ایران و عراق و تجاوز امریکا به عراق و فروپاشی روسیه، و آزاد شدن ملل ترک زبان در قفقاز و آسیای میانه، دستیابی به معادن نفت و گاز قفقاز و آسیای میانه و پیدایش ناگهانی نقش کلیدی پر اهمیت در انتقال نفت و گاز به اروپا، و نقش رابط میان آسیا و اروپا و شرق و غرب و اسلام و مسیحیت، به یک معجزه اقتصادی و سیاسی دست یافت. ترکیه نقش ستراتیژیک در منطقه پیدا کرد. اخیراً حتی به خاطر همکاری با ناتو نقش سپر دفاعی اروپا و امریکا را به وی داده‌اند و با نصب رادار سامانه ضد موشکی "ناتو"، همان وظیفه‌ای را به عهده ترکیه گذارده‌اند، که قبلاً قرار بود، دول لهستان و جمهوری چک به عهده بگیرند. گرچه بعید به نظر می‌رسد، هدف این پایگاه نظامی در درجه اول، آنطور که ادعا می‌کنند، موشکهای غیر هوشمند و از نظر فنی، عقب مانده و نادقیق ایران باشند که هنوز مراحل آزمایشی را کاملاً به پایان نرسانده‌اند، ولی این عمل ترکیه از نظر سیاسی، اعلام آشکار دشمنی با ایران و حمایت آشکار از اسرائیل است. هر کسی تا حدودی تضادهای جهان کنونی را بشناسد متوجه می‌شود، که امپریالیستها از موشکهای دقیق و هوشمند چین، روسه و کره شمالی بیشتر و اهمه دارند تا از موشکهای ایران که واقعا هنوز نه به بار است و نه به دار. ولی امریکا با این کارش هم ترکیه را در جبهه خویشت بند می‌کند و هم به اسرائیل اطمینان خاطر می‌دهد که می‌توانند بر روی کمکهای فنی پیشرفته امریکا حساب کنند. با این تعظیم ترکیه در مقابل امپریالیست امریکا، به هر صورت ترکیه خود را برای مقابله با نفوذ سیاسی ایران داوطلب کرده و در مقابل آن خواهان ارتقاء ارزشش در منطقه است. عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه در گفت و گو با شبکه تلویزیونی العربیه در پاسخ به این پرسش خبرنگار العربیه در باره اینکه ترکیه تحرکات ایران در منطقه را چگونه ارزیابی می‌کند و نظرتان در باره استقرار سامانه موشکی ناتو در ترکیه چیست، آیا این طرح ایران را هدف قرار داده است؟ اظهار داشت: "این موشکها ضد ایران یا کشورهای دیگر نیست." باید پرسید، اگر واقعا این طرح پوچ و بی محتوا است آیا موشکهای امریکائی در ترکیه را، تنها برای تزئین برافراشته‌اند؟ پس بهتر است، ترکیه از این طرح بی فایده که موجب کدورت با همسایگانش است، صرف نظر کند.

خبرنگار که ول کن نیست می‌پرسد: "آیا ترکیه قدرتی در جهت ایجاد توازن در منطقه است؟ و عبدالله گل که مچش گرفته شده، سری به صحرای کربلا می‌زند و می‌گوید: "خیر! ترکیه روابط مستحکمی از نظر تاریخی و دوستی با کشورهای منطقه دارد." بی ربطی این حرف از آنجا معلوم می‌شود، که ترکیه به نقش جدید خویشت به خوبی آگاه است و آنرا در این جمله کوتاه به خوبی بیان می‌کند: "هیچ کشوری در منطقه به اندازه ترکیه، پیشرفته و مدرن نیست و امروز این کشور منبع الهام بخشی شده است" (تکیه همه جا از توفان است).

دولت ترکیه که مدعی است: "ترکیه روابط مستحکمی از نظر تاریخی و دوستی با کشورهای منطقه دارد"، در حمله آشکار به رژیم بشار اسد در سوریه، در همسایگی ترکیه می‌گوید: "ما با رژیمهای استبدادی همراه نیستیم، ما خواهان کشور و مردمی قدرتمند در همسایگی خود هستیم." این سخنان عبدالله گل به در گفتن تا دیوار بشنود است. رژیم جمهوری اسلامی نیز در این جمله کوتاه مورد خطاب قرار گرفته است. وی سپس هم ایران و هم سوریه را تهدید کرده و می‌گوید: "دخالته آشکار در امور سوریه ممکن است زمینه برای دخالتهای بعدی را به وجود آورد."

این حرفها را رژیم می زند که خلق کرد را در ترکیه سرکوب کرده و برای نابودی آنها به داخل خاک عراق نیز نیروی نظامی می فرستد، و به حریم ملی آن کشور تجاوز می کند. ترکیه اکنون نقش جدید خویش را ایفا می کند. روی کار آمدن رژیم اسلامی در ترکیه، که در شرایط اقتصادی و ورشکستگی و بحران در ترکیه به وقوع پیوست، این بخت و فرصت مناسب را به اردوغان داد و به یاری اش آمد، تا اقتصاد ترکیه را شکوفان ساخته و سطح زندگی مردم را ارتقا دهد. دولت اردوغان در عرصه سیاسی با مخالفت از استفاده از پایگاههای نظامی امریکائی در ترکیه، برای تجاوز به عراق، که مورد مخالفت ۹۶ درصد مردم ترکیه بود، و یا با پادرمیانی خویش، همراه با برزیل، در شورای امنیت، برای پیدا کردن راه حلی، برای غنی سازی اورانیوم در ایران، و یا حمایت جنجالی از کشتیهای آذوقه رسانی به مردم محاصره شده نوار غزه، مخالفت با آدمکشی اسرائیل در لبنان، به نفوذی معنوی و سیاسی در تمام جهان به ویژه در میان ملل مسلمان دست یافت، که با نفوذ ایران برابری می کرد. رژیم ترکیه دیگر در نزد ملت‌های مسلمان و تحت ستم، رژیمی دست نشانده امریکا محسوب نمی شد، به ویژه که در این اواخر اختلافات با ارتش کمالیستی نیز به یاری اش آمد. وی شبکه های پنهانی ترور و کودتا و تخریب را که از دوران جنگ سرد توسط سازمان "سیا" در ترکیه ایجاد شده بود و حال تاریخ مصرفشان به سر آمده بود، تصفیه کرد. کاری که قبلاً در ایران، ایتالیا، المان و بسیاری ممالک متحد غرب صورت گرفته بود. این شبکه در بسیاری از این کشورها حتی سرخود عمل می کرد و به صورت ابراز یک مافیای اقتصادی و قاچاق در آمده بود. به تدریج رژیم اسلامگرای ترکیه که به مصداق ضرب المثل معروف "هم از توبره می خورد و هم از آخور"، هم اسلامی برای همکاری با اسلامیت هاست و هم توریستی با سواحل ویژه لختیها برای توریست هاست، به درآمدی از این بابت دست یافت، که با درآمد نفت ایران مقابله می کند. ترکیه در این زمان در عرصه اقتصادی رشد کرد و در عرصه سیاسی از احترام و نفوذ معنوی در منطقه برخوردار شد.

اکنون معجزه اقتصادی ترکیه با معجزه سیاسی آن کامل می شود. با رشد انقلابات در ممالک شمال افریقا که به علل گوناگون متأسفانه به آتش بس بدل شد، و در جای خود درجا می زنند و به پیش نمی روند، بحث دورنمای حکومت‌های آتی این ممالک طرح شد. ترس از کسب قدرت توسط سلفیست‌های عامل عربستان سعودی و یا القاعده و یا اخوان المسلمین بنیادگرا و... در همه جا به چشم می خورد. البته سیاست اسلامی رژیم جمهوری اسلامی به مراتب غیر افراطی تر از گرایشات بر شمرده است، ولی تبلیغات جهانی به یک باره از نمونه ورشکسته ایران در مقابل نمونه موفق و **الهامبخش** ترکیه به عنوان حکومت‌های مناسب و متناسب برای کشورهای اسلامی، سخن به میان آورد. اکنون یک مبارزه نظری در میان سازمان‌های سیاسی و اندیشمندان امپریالیست‌ها و عمالشان در گرفته است و می خواهند آنرا به خورد مردم دهند. آن حلقه گمشده، برای تبلیغات و برونرفت از بحران کنونی در خاور میانه، گونیا پیدا شد. از آن تاریخ نقشی را که به ترکیه واگذار کرده بودند و شاید از گذشته واگذار کرده بودند و حال زمینه اعلام مناسب را می دیدند، رسمیت بخشیدند و قبای جدیدی برای اندام ترکیه دوختند. در زمان تجاوز به لیبیا ترکیه به عنوان عضو پیمان ناتو، به عنوان کشور مسلمان مخالفت خویش را در بدو امر ابراز داشت و در طی زمان به یک باره مدعی شد، که حاضر است به عنوان میانجی میان دولت قذافی حاکم لیبیا و تجاوزکاران ناتو که کارشان به بن بست رسیده بود، وارد میدان شود.

ترکیه که یک سیاست جدید خارجی اتخاذ کرده بود و مبنی بر آن، سعی داشت اختلافاتش را با همسایگانش از جمله ایران و ارمنستان و بلغارستان و یونان و آذربایجان و عراق و سوریه و قبرس حل کند و به این وضعیت "نه جنگ و نه صلح" موجود از همان بدو پیدایشش در آسیای میانه خاتمه دهد، در این عرصه موفقیت‌های چشمگیری کسب

کرد و به آرامش منطقه کمک فراوانی نمود. وی با آغاز درگیریهای اپوزیسیون مخالف بشار اسد در سوریه، مرزهای خویش را برای این اپوزیسیون باز کرد و دستش را برای تبلیغات در ترکیه آزاد گذاشت و به تدریج به دخالت آشکار و تهاجمی در امور داخلی سوریه پرداخت و سیاستش را در این زمینه با امپریالیستها و صهیونیستها هماهنگ و متناسب ساخت. این سیاست در خدمت تضعیف دولت سوریه به حد اکثر، و تضعیف دولت جمهوری اسلامی در تحلیل نهائی بود.

ترکیه وظیفه ای هم در افریقا به عهده گرفته است. دولت سومالی، دولت دست نشانده امپریالیست امریکاست، که پس از شکست مأموریت سربازان امریکائی و سازمان ملل در سومالی، که به مردم عادی تجاوز می کردند و اسرای سیاهپوست و معترض را بر روی آتش کباب می نمودند، بر سر کار آمد. ولی این کسب قدرت ناشی از خواست مردم که از جمهوری اسلامی سومالی دفاع می کردند، نبود، بلکه با یاری تجاوز قوای خارجی و ارتش دولت اتیوپی و آنها با اشاره امریکا، بر سر کار آمد. از آن تاریخ موج ناامنی و دزدی و راهزنی سراسر سومالی را فراگرفته است. همه آدمکشان و دزدها به دور این دولت دست نشانده هوادار امریکا جمع شده اند، که چند ساعت هم نمی تواند بر روی پای خود، بدون دخالت خارجی بایستد. جرج بوش با سیاست اسلام ستیزی و از ترس این که مبادا، باب المندب در دهانه دریای سرخ به دست اسلامیهتها بیفتد، می خواست اوضاع سومالی را به زیر کنترل خود در آورد و در این راه از کمک دولت اتیوپی برخوردار شد. با تجاوز اتیوپی به سومالی و تاراندن حکومت اسلامی، آنها حکومتی که توانسته بود امنیت را در میان باندهای دزد و راهزن در سومالی با قلع و آنها ایجاد کند، اوضاع نابه سامان و متشنجی در سومالی به وجود آمده است. شکست سیاست جرج بوش و اتیوپی عامل امپریالیستها، در سومالی به کلی مشهود است، و مردم سومالی از سیاست جنگ صلیبی جرج بوش به شدت نفرت دارند. کاری را که اتیوپی غیر مسلمان نتوانست انجام دهد، حال باید ترکیه مسلمان به انتها برساند. اخیرا اردوغان همراه با اعضای فامیل و بخش بزرگی از اعضای کابینه دولت ترکیه، وارد سومالی شده است. آنها قصد دارند از فرودگاه تا پایتخت سومالی یعنی موگادیشو یک بزرگراه بسازند، بیمارستان بنا کنند، به دولت سومالی کمکهای مالی و فنی بنمایند. وزیر امور خارجه ترکیه به استانبول برگشت تا در کنفرانس ممالک اسلامی که در آنجا برگزار می شد، شرکت کند و برای سومالی کمک مالی جمع آوری نماید. در این کنفرانس وی موفق شد وعده کمکهایی به مبلغ ۲۵۴ میلیون یورو را دریافت کند، که گرچه نقد نیست، ولی از نظر تبلیغاتی به نفع دولت ترکیه است، و تائید نامه ای از جانب ممالک اسلامی است، که این نقش را به دولت ترکیه برای نفوذ در افریقا و سخنگوی دول اسلامی داده اند.

اردوغان وعده داد که سفارت ترکیه در موگادیشو را مجدد باز کند. البته دولت ترکیه ۶ سال است که تلاش می کند در افریقا نفوذ کرده و تا کنون تعداد سفارتخانه های خویش را از ۱۲ عدد به ۲۲ عدد رسانده است. رئیس جمهور ترکیه آقای عبدالله گل اعلام کرد که ترکیه بزرگترین کارفرمای افریقا است. البته گرچه این ادعا گزافه گوئی به نظر می رسد، ولی از انگیزه های توسعه طلبانه دولت ترکیه مسلمان در افریقای مسلمان پرده بر می دارد. وی همچنین اضافه کرد: "ما در گذشته فقط مشغول همسایگان خود بودیم، این دوران به سر رسیده است". فعالیتهای دولت ترکیه در افریقا و در ممالک اسلامی و نقشی که به وی واگذار شده نشان می دهد که ترکیه باید به عنوان قدرت منطقه در خاورمیانه رشد کند و در مقابل ایران قرار گیرد. ترکیه باید در افریقا نیز در مقابل نفوذ جمهوری اسلامی ایران قد علم کند. نمونه ترکیه باید گزینشی در تحولات آتی منطقه در مقابل نمونه ایران باشد. از یک طرف سلفیستها،

و هابسته‌های عربستان سعودی و القاعده باید با اسلام بنیادگرا، جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند و از جانب دیگر ترکیه با مدرنیسم اسلامی خویش.

البته افزایش نقش ترکیه در افریقا وظایف جدیدی را نیز به عهده این کشور می‌گذارد. امپریالیست‌ها می‌توانند از این به بعد در پوشش یک کشور اسلامی به نفت سودان و یا نیجریه و سایر مناطق دست پیدا کنند. ترکیه باید در سرکوب نیروهای شبه نظامی اسلامی الشباب در سومالی و سرکوب "راهزنان دریائی" و تقویت یک دولت مرکزی در سومالی با امکان اعمال زور دولتی شرکت کند. هیچ سلامی بی طمع نیست.

ایران که ادعای قدرت منطقه را حتی از زمان رژیم گذشته داشت، دارای این ظرفیت و توانائی چه از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، تاریخی و علمی و ... می‌باشد، تا موجبات نگرانی همسایگان حامی امریکا و اسرائیل را بر آورد. تلاش‌های جهانی برای مهار کردن ایران تا به حال به جایی نرسیده است و لذا کارت ترکیه یکی از کارتهائی است، که امپریالیسم برای مقابله و انفراد ایران با آن بازی می‌کند.

امپریالیست‌ها در تلاشند از دولت ترکیه مسلمان، یک قدرت منطقه‌ئی برای دخالت در مناقشات منطقه و در افریقا ایجاد کنند و از نقش ایران در عمل بکاهند و کنترل بیشتری بر روی سیاست‌های ایران اعمال کرده و جمهوری اسلامی را به انزوای کامل بکشانند، آنها تلاش دارند نفوذ جمهوری اسلامی را در ممالک اسلامی به حداقل برسانند. طبیعتاً به یک ایران بی نفوذ و در محاصره سیاسی و اقتصادی که حتی در میان ملت خودش نیز بی اعتبار است، بهتر می‌شود فشار آورد و یا تجاوز کرد، تا به یک ایران متکی بر مردم و دموکراتیک. جمهوری اسلامی طبیعتاً نمی‌تواند از فرصت‌ها و بخت‌هایی که در اختیارش قرار می‌گیرد، استفاده کند، زیرا رژیمی که به مردم کشورش متکی نیست و از مردم کشورش بیشتر واهمه دارد، تا دسیسه‌های جهانی، برای بقاء خود حاضر است، به هر خفتی تن در دهد، تا در انزوای خود خفه شود.

از این به بعد باید نقش ترکیه را با دقت دنبال کرد. مسلماً ترکیه در توازن قوای منطقه نقش دارد. این نقش به نظر نمی‌رسد، علی‌رغم جنجالی که ترکیه در آستانه سفر به افریقا راه انداخته است با هدف یاری به مردم فلسطین باشد. صرف عضویت در ناتو و همدستی با امپریالیسم در منطقه، که همه شاهد آن هستند، مغایر آن چیزهائی است که دولت ترکیه با احساسات آتشین و بی‌پشتوانه، تنها بر زبان جاری می‌کند.

و در ضمن فراموش نکنیم که با کشف مخازن بزرگ گاز در آب‌های بین‌المللی دریای مدیترانه که اسرائیل می‌خواهد همه آنها را خود تصاحب کند و سهم ترکیه و لبنان و سوریه و فلسطین و مصر را ندهد، مزید بر علت شده تا ترکیه از کارت فلسطین برای پیشبرد مقاصد خود به عنوان عامل فشار استفاده کند. روزنامه المانی "کلنر شتات آنسایگه" در ۱۰ تا ۱۱ ماه سپتامبر ۲۰۱۱ در مورد اختلافات ترکیه و اسرائیل از قول طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه در مصاحبه با تلویزیون الجزیره نوشت: "ما اجازه نمی‌دهیم، که چنین کشتیهائی مجدداً هدف حملات اسرائیلیها قرار گیرند" و ادامه داد: "ترکیه این حق را برای خویش محفوظ می‌دارد مناطق آبی شرقی دریای مدیترانه را کنترل کند." به اساس گفته آقای اردوغان: "آنکارا می‌خواهد کاری کند که جلو استفاده از منابع طبیعی منطقه، به تنهایی توسط اسرائیل گرفته شود." این وضعیت جدید هم، بیاری ترکیه آماده است، که هم خود را حامی فلسطین و لبنان بشناساند و هم از اسرائیل حق و حساب بخواهد و هم در میان مردم ترکیه و مسلمانان در منطقه محبوبیت کسب کند.

نقل از توفان ارگان مرکزی حزب کارایران شماره ۱۳۹ مهرماه ۱۳۹۰

www.toufan.org

toufan@toufan.org